

نوروزنامه

بهار بر ایام همیشه زیباست



▀ **ناصر ملک‌مطیعی**
▀ **بازیگر پیشگسوت**

● یک سال دیگر هم گذشته، مملو از اتفاقات تلخ و شیرین، من در پاییز و زمستان عمرم هستم، اما بهار بر ایام همیشه زیباست و بهار طبیعت پر از طراوت و پویایی است. خدا را شاکرم که یک سال از عمرم را در کنار خانواده و هم‌وطن عزیزم زندگی کردم، اما متأسفانه دوستان و همکاران عزیزِی را از دست دادم؛ هنرمندانی که جایگاه والایی در هنر کشورمان داشتند و جایشان خالی خواهد بود. به تمامی عزیزان درگذشته ادای احترام می‌کنم و برای عزیزانی که در کنارمان هستند آرزوی سلامتی و شادگامی دارم.

امیدوارم سال آینده مردم کشورم در رفاه و آسایش زندگی کنند و کشورم سرفراز باشد و دوستانی که برای ایران عزیز خدمت می‌کنند سلامت باشند و خداوند این‌ آب و خاک و مردمانش را در پناهش حفظ کند.

محکوم به امیدیم



▀ **حسن فتحي**
▀ **نویسنده و کارگردان تلویزیون و سینما**

● ۱۳۹۵ به‌رحال سال خیلی خوبی نبود! هم به‌دلیل اتفاقاتی که در عرصه فرهنگی – هنری افتاد و هم به دلیل ازدست‌دادن برخی از هنرمندانمان و همین‌طور حوادث تلخی که در سطح بین‌المللی افتاد و اتفاقات تلخ و ناراحت‌کننده‌ای را رقم زد. هرچند که به قول آلبر کامو «انسان محکوم به امید است». بر مبنای این محکومیت امیدوارم سال ۱۳۹۶ سالی پر از لبخند باشد. امید است که جنگ، درگیری و دشمنی کمتر و دوستی و همدلی بیشتر شود. امید دارم که در سال پیش‌رو مهر و محبت بیشتر و دست‌کم قابل‌تحمل‌تر از سال گذشته شود.



آرزوی سلامتی دارم



▀ **سحر دولتشاهی**
▀ **بازیگر**

● واقعتاً این است که امسال از نظر حسّی خیلی در حال‌وهوای عید نیستم. من همیشه در زندگی‌ام عید نوروز جایگاه ویژه‌ای داشته است، اما امسال کمی غمگینم! علّتش این است که ابتدای سال با مرگ عباس کیارستمی شوکه شدم و در ادامه هم همین‌طور تعداد زیادی از هنرمندان عزیزمان را از دست دادم. این مسئله خیلی مرا تحت‌تأثیر قرار داد. در روزهای پایانی سال هم شاهد مرگ علی معلم و دکتر افشین بدلالهی بودیم. مجموع این اتفاقات باعث شده که غمگین باشم، اما بااین‌حال از ته دل دعا می‌کنم که سال ۱۳۹۶، سالی پربرار و مملو از تندرستی و دلخوشی برای مردم کشورم باشد. آرزو می‌کنم کشورم از انواع بلاها و سختی‌ها دور بماند، مردم عزیزمان به خواسته‌های خودشان برسند و خلاصه همگی لبخندبرلب این سال را به پایان برسانیم. پیشاپیش هم عید نوروز را به ملت ایران تبریک می‌گویم.

گرچه از عمر دل سیری نیست

مرگ می‌آید و تدبیری نیست

به اطلاع کلیه دوستان و آشنایان

دکتر افشین یداللهی، روانپزشک و ترانه‌سرای

محبوب ایرانمان می‌رساند که مراسم یادبود ایشان

در روز یکشنبه ۲۹ اسفند از ساعت ۱۷ الی ۱۸:۳۰

در مسجد جامع شهرک غرب واقع در شهرک قدس

خیابان حسن سیف برگزار خواهد شد.

هیأت مدیره انجمن علمی روانپزشکان ایران

▀ **رسول صدراعلمی**
▀ **کارگردان و تهیه‌کننده سینما**

امیدوارم بالاخره سالی برسد که دیگر آرزوبه‌دل نباشیم. آرزو دارم سال ۱۳۹۶ همین سال باشد؛ یعنی به قول «علی معلم» در این سال عقلا و زعمایمان کمتر حرف بزنند و بیشتر عمل کنند. به عبارت دقیق‌تر با رفتار و عملکردشان نشان دهند که تغییر کرده‌اند، نه با کلامشان. اصلا مسئولیت‌پذیری خود را با عملکرد



▀ **ایرج راد**
▀ **بازیگر و کارگردان**

با وجود آنکه عزیزانی از میان ما رفته‌اند و غم ازدست‌دادنشان با ما هست و باید سال ۹۶ را با پشت‌سرنهادن این اندوه آغاز کرد، اما ما وظیفه داریم که در ادامه تلاش‌ها و فعالیت‌هایی که آنان در زمینه فرهنگ و هنر انجام داده و بسیار هم تأثیرگذار بوده‌اند، این راه را همچنان ادامه دهیم. به‌هرتقدیر ما باید با انجام فعالیت‌هایی خود را

از این وضعیت فعلی بیرون آورده و به وضعیتی سامان و مطلوب که از جایگاه خاصی هم برخوردار باشد، برسانیم. خوشبختانه به‌تازگی در مجلس شورای اسلامی این موارد به تصویب رسیده و همچنین امنیت شغلی هنرمندان نیز به تصویب رسیده و در شورای نگهبان نیز مورد تأیید واقع شده است. همچنین در سال آینده با این مصوبه می‌توانیم حرکت‌های سازنده و بهتری را انجام دهیم. نکته دیگر اینکه قرار بر این است که تمام سالن‌هایی که در اختیار نها‌ها، سازمان‌ها و مراکز مختلف است در اختیار تئاتر قرار بگیرد و البته این

نگران کودکانم!



▀ **نگار اسکندرفر**
▀ **روزنامه‌نگار**

برای شخصی من سال ۱۳۹۵ سال بسیار تلخ و سختی بود. عباس کیارستمی عزیزم را به امید بهبودی راهی بیمارستان کردیم، اما صدحیف دیگر بزنگشت! همین اتفاق باعث شد که ابتدای سال را با ناراحتی شروع کنم. بعد از آن هم مادر عزیزم به رحمت خدا رفت که تلخ و ناگوار بود. کم‌کم اتفاقات دیگر مانند مرگ هنرمندان، جنگ و درگیری‌ها در جهان هم مزید بر علت شد. هرساله با فرارسیدن فصل بهار آرزو می‌کردیم که مثلاً به چند خانواده بی‌بضاعت کمک کنیم، اما حالا دنیا به‌گونه‌ای پس رفته که دیگر نمی‌دانیم کمک‌رسانی را از کجا شروع

هنر

دیگر آرزوبه‌دل نباشیم

خود به مردم به اثبات برسانند وگرنه دیگر از کلمات و حرف‌ها هیچ کاری ساخته نیست.

امیدوارم جامعه به سمتی برود که «شرایط حساس کنونی» را پشت‌سر بگذارد.

امنیت، احساس آرامش و شادی بیشتری میان مردم به وجود آید. امید است روزهای سیاه را پشت‌سر بگذاریم و روی سفید روزگار را هم ببینیم. آرزویم برای سینمای ایران این است که همین

خبرهای خوش

باید از پیش انجام می‌شده، اما درحال‌حاضر با تأکید بر لازم‌الاجرابودنش چنین فرصتی را در اختیار تئاتر قرار خواهند داد و این حرکت بر جایگاه خاص تئاتر می‌افزاید. باز هم یک نکته دیگر هست که تصویب شده؛ اگر سازمان‌ها و شرکت‌ها و کارخانجات کمکی را برای تئاتر یا دیگر هنرها در نظر بگیرند، این پرداخت‌ها در مورد پرداخت مالیاتی‌شان محاسبه خواهد شد. اینها جای خوشحالی دارد برای جامعه هنری و به‌خصوص برای تئاتر. امیدوارم سال ۹۶ سال پرباری باشد و کمتر شاهد ازدست‌دادن عزیزانمان باشیم و بتوانیم با توانمندی بیشتر کارهایمان را سرانجام دهیم.

من در سال جدید چند کار را پیش‌روی دارم؛ یکی نمایش «در گوش سالمم زمزمه‌کن» به کارگردانی شادروان جعفر والی است که با مرکش متوقف شد که امیدوارم امسال هرچه‌زودتر فرصتی برای به‌صحنه‌آوردنش را داشته باشیم. همچنین یک کار دیگر هست که در سال جدید قرار است با هادی مرزبان به صحنه بیاوریم که تمریناتش را پس از تعطیلات نوروزی شروع می‌کنیم. همچنین خودم هم نمایش «دکتر کنوک» نوشته ژول رومن را که قبلا هم کارگردانی کرده‌ام، مناسب می‌بینم که دوباره کارش کنم.



رونقی راکه پیدا کرده است تراوم دهد. شخصیت‌های فیلم‌ها و قهرمانان، دیگر توسری‌خور، منفعل و ابله نباشند، بلکه آن‌قدر قوی و رشک‌برانگیز باشند تا دلمان بخواهد جای آنها باشیم، نه‌اینکه برایشان دل بسوزانیم! خلاصه اینکه سینمایمان پرقدرت باشد و کمتر سعی کنیم که جهان شکل ما شود، بلکه بتوانیم در عین‌اعتقاد و احترام به تنوع فرهنگ‌ها، با جهان تعامل‌سازنده داشته باشیم.

سال غم‌انگیز ۹۵

متأسفم که در سال ۹۵ آقایان جنتی و ایوبی نیز از سمت‌های خود کنار رفتند، به سهم خودم و تا آنجایی که به رویدادهای هنری و سینمایی کشورم را دنبال می‌کنم شاهد بودم که این دو بزرگوار کارهای بزرگی در این عرصه انجام دادند و باز متأسفم که در حوزه محیط‌زیست روزهای خوبی نداشتیم و یقین دارم با یک خرد جمعی می‌توان این مشکل را تا حد زیادی رفع کرد.

از طرفی خوشحالم که مذاکرات سیاسی کشورم به نتیجه رسید و حاصل این اتفاقات خوب در سال ۹۵ در کشورم دیده شد؛ اتفاقات خوشایندی مثل خرید هواپیما و بسیاری از اتفاقات خوشایند که حاصل تلاش دولت آقای روحانی بود.

خوشبختانه در انتهای سال مردم با تشکیل کمپین‌هایی مثل چهارشنبه‌سوری بدون خطر و مسائلی از این دست باعث شدند تا تلفات کمتری را شاهد باشیم و امیدوارم در بسیاری از عرصه‌ها چنین همدلی‌ای وجود داشته باشد.

آرزو می‌کنم سال آینده سال خوبی برای هم‌وطنانم باشد و فرارسیدن سال جدید را به تمامی مردم کشورم تبریک و تهنیت عرض می‌کنم و امیدوارم سال جدید برای هنرمندان سال بسیار خوبی باشد.

باید شاد و امیدوار زندگی کرد



▀ **نادر مشایخی**
▀ **موسیقیدان**

سال ۹۵ از زیباترین سال‌هایی بود که تجربه کردم، چراکه در عرصه موسیقی شاهد بودم که هرکاری که اراده کنی می‌توانم در کشورم انجام دهم و ایران جوان‌های بسیار بااستعدادی دارد که جلوتر از کشورهای دیگر حرکت می‌کنند و ابدا این‌طور نیست که جوانان ما از اتفاقات روز دنیا در زمینه‌های هنری عقب باشند، به‌خصوص در شهرستان‌ها که من استعداد‌های بیشتری دیدم

و بسیار امیدوارکننده بود. در حقیقت آنها به من امیدواری دادند که می‌توان تلاش کرد. امسال بیشتر یاد گرفتم مثل یک ایرانی فکر کنم و چقدر خوب است تفکر به سبک ایرانی…

در سال ۹۵ تلاش‌م این بود که بیش از پیش اطرافیان و شاگردانم را به دقت در شنیدن تشویق کنم که به‌نظرم تا حدی نوعی رفتار اجتماعی است که عادت کنند تا صداهای اطرافشان را دقیق بشنوند

و تحلیل کنند و بیشتر رفتار اجتماعی‌ای این اتفاق مد نظرم بود و خوشبختانه حد‌ساز زیادی این تلاش به ثمر نشست. آرزو می‌کنم سال آینده ترافیک کمتری داشته باشیم، چراکه به‌شخصه یک‌سوم از وقتم در ترافیک‌های شهر می‌گذرد و آن‌قدر درباره معایب ترافیک گفتم‌ام که دیگر خسته شدم.ام. در آخر برای تمامی هم‌وطنانم سال‌خوب و پربرکتی را آرزو می‌کنم. به همه توصیه می‌کنم امیدوار باشند، چراکه واقعتاً این است، باید شاد و امیدوار زندگی کرد.

امیدوارم سال ۹۶ سال نیکی‌بی برای همه اهالی تئاتر باشد.



از فرط بی‌خوابی

دور از اجتماع خشمگین!



▀ **مهرداد حجتی**

● سال ۹۵ سالی غریب در تقویم خاطرات ما بود. سالی که در آن اتفاق‌های غریب رخ داد و همه را غافلگیر کرد. آخرین‌شان همین هفته بود. مرگ نابهنگام یک همکار قدیمی، علی معلم. اما پیش از آن، ماه‌ها قبل مرگ عباس کیارستمی بزرگ‌ترین اتفاق از این دست بود. او که به دلیل اشتباهات مکرر پزشکی از زمستان سال قبل در بیمارستان خانه کرده بود. در نهایت برای رهایی از این گرداب دهشت‌زا به پاریس رفت و در آنجا در اوایل تابستان تسلیم مرگ شد. کیارستمی که شیفته طبیعت و زندگی بود به‌ناچار در آخرین سفر خود به ابدیت رفت تا خاطره‌های ترازیک از این سفر باقی بگذارد. مرگ کیارستمی، مرگی غافلگیرکننده و غریب بود. از ابتدای ماجرای بستری‌شدن در بیمارستان تا انتهای ماجرا غریب بود. چنان‌که امروز هم سخن‌گفتن از آن غریب است. او نماد سینمای مصلحانه بود. سینمایی نجیب و آرام. سینمای خشونت‌پرهیز و صلح‌طلب. اما مرگ کیارستمی مرگ این اندیشه نبود. او نسلی را متأثر از تفکر خود برج‌گذاشت

که امروز همچنان فیلم می‌سازند و از این طریق با دنیا گفت‌وگو می‌کنند. جعفر پناهی شاخص‌ترین چهره این نسل است. او همچون کیارستمی در جهان شناخته شده است. سخنش شنیده و فیلم‌هایش تحسین می‌شود. اما سال ۹۵ آبستن اتفاق بس هولناکی هم بود؛ اتفاقی بزرگ که قرار بود تا مدت‌ها همه را درگیر خود نگه دارد. در یک صبح پنجشنبه ساختمانی که نماد یک دوران از این کشور بود طعمه حریق شد و چند ساعت بعد در عین ناباوری فرو ریخت. ساختمان مرتفع پلاسکو قرار ریخت تا کشور به شکل جدی مورد آزمون قرار گیرد. اینکه برای چنین حوادثی تا چه حد آماده‌ایم؟ چالشی که پاسخ روشنی نیافت. هیاهوی پیرامون حادثه، ما را از این واقعیت که آیا حقیقتاً می‌توانیم بحران‌هایی از این دست را مدیریت کنیم، دور کرد. جنجال و هیاهو نگذاشت تصویری واقعی از آنچه رخ داد ثبت شود. طبق معمول رسانه ملی جای همه رسانه‌ها را گرفت و همه دوربین‌ها از مرکز حادثه دور شدند. تا خبر به انحصار رسانه ملی درآید! حادثه‌ای که می‌توانست، دستمایه ده‌ها فیلم مستند باشد به انحصار یک رسانه درآمد تا فقط از دریچه آن دیده شود. مدیریت پریهاوی شهرداری دامان خود را بالا گرفت تا از این واقعه تر نشود! مسئولان یک به یک به میدان آمدند و در کنار تلی از خاک و آتش عکسی به‌یادگار گرفتند و رفتند تا این پرسش هیچ‌گاه پاسخ داده نشود که کلان‌شهر تهران در هنگام چنین حوادثی در ابعاد وسیع‌تر نظیر زلزله چه سرنوشتی پیدا خواهد کرد؟ گویا قصدش فراموش‌کردن بود نه یادآوری!

سال ۹۵ اما سال وقایع خوش هم بود؛ سالی که در آن خسرو آواز ایران به وطن بازگشت و موجی از احساسات را برانگیخت. همچنین برگزیده‌شدن فیلم «فروشنده» در مراسم اسکار که این آخری، واقعه‌ای بس بزرگ و فراموش‌ناشدنی بود؛ واقعه‌ای که برای کشورها کمتر رخ می‌دهد. اما کشور ما این شانس را داشت تا با اصغر فرهادی به این افتخار دست یابد. ما در کنار سوئد، ایتالیا و ژاپن توانستیم دواسکاره شویم. افتخاری کم‌نظرم و نایاب. هرچند گروهی کج‌اندیش به بدخواه این موفقیت را تاب نیاوردند و تلاش کردند تا آن را بی‌مقدار جلوه دهند و این‌چنین کام مردم را هم تلخ کنند. اما استقبال گسترده مردم و موج فزاینده احساسات آنها آب سردی بود بر آتش ملتهب بدخواهان که هیچ‌گاه در طول این‌همه سال‌های شادی جمعی مردم را تاب نیاورده‌اند و همچنان رخت سوگواری را بر تن آنها بیشتر می‌پسندند. مردم به‌جای شادی در خیابان ترجیح دادند در فضایی دیگر خوشحالی کنند. وقتی فضای واقعی از شما دریغ می‌شود ترجیح می‌دهید به فضای مجازی پناه برید تا در آنجا ابراز احساسات کنید. کاری که مردم کردند. آنها احساسات‌شان را آنجا بروز دادند و جامعه جهانی نیز همبای مردم به این واقعه واکنش نشان داد و آن را تجلیل کرد. تنگ‌نظران به حاشیه رانده شدند. مردم به متن آمدند تا صدایشان رستار به گوش برسد. این ویژگی یک دستاورد ملی است. دستاوردی ازاین‌دست موجب همبستگی است. آنها که از این همبستگی به وحشت می‌افتند بیگانه‌هایی هستند در لباس آشنا که تحمل تماشای چنین صحنه‌هایی را ندارند. صحنه‌هایی که در آن مردم در خیابان پا می‌کوبند و فریاد همبستگی سر می‌دهند. باید آرزو کرد سال ۹۶ سالی سراسر شاد برای مردم باشد. سالی که با همدلی آغاز و با همبستگی به پایان برسد. سال دوری از تنش و توجه به صلح. آیا این آرزو محقق خواهد شد؟